



تعلیمات مسجدی (حوزه‌های) در چین و جایگاه زبان فارسی در آن

محمدجواد امیدوارنیا^۱

تعلیمات اسلامی در چین که «تعلیمات مسجدی» نیز نامیده می‌شود، از اولین سالهای ورود مسلمانان به آن کشور سابقه دارد، اما شکل سازمان یافته آن، به صورت آنچه که در خاورمیانه وجود دارد، از عصر «قراخانیان» (قرن دهم میلادی) و به‌ویژه از دوره سلسله «یوان» (قرن سیزدهم میلادی) پدید آمده است. در مدارس مسجدی چین مکتهای فکری مختلفی وجود دارد که هر یک دارای ویژگی خود است اما در همه آنها در حدود ۱۴ کتاب درسی مرجع تدریس می‌شود که ۶ جلد آن به زبان فارسی است. در سالهای اخیر با ازدیاد نفوذ اخوانی‌ها و وهابون در چین و همچنین عدم دسترسی کافی مسلمانان مناطق شمال غربی آن کشور به تسهیلات آموزش زبان فارسی، نقش این زبان در مدارس دینی روبه کاهش است. پژوهشگران چینی معتقدند که باید برنامه‌های درسی در مراکز آموزش دینی در آن کشور مورد تجدیدنظر قرار گیرد و همانند صدر اسلام، ارتباط نزدیک بین علوم دینی و علوم دنیوی پدید آید و پیشرفت علمی و فنی مسلمانان علاوه بر تأمین زندگی بهتر برای آنها موجب ازدیاد قدرت استادگی کشور در برابر سلطه‌جویی خارجی گردد.

سابقه

به طوری که از اسناد کهن، از جمله کتیبه‌های یادبود مرمت و نوسازی برخی از مساجد در سواحل جنوبی چین، ویژگی‌های بناهای قدیمی اسلامی، از جمله مزارهای «سی‌تن» و «چهل تن» در بندر «چوان‌جو»^۲ (بندر زیتون) در استان ساحلی «فوجیان»^۳، کتب تاریخی مانند «کتاب کهن سلسله تانگ»^۴ و بررسی‌های بعضی از محققان مشهور چین مانند آقایان

۱. آقای محمدجواد امیدوارنیا عضو هیأت تحریریه فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز است.

2. Quan Zhou

3. Fu Jian

۴. Tang، سلسله‌ای که از ۶۱۸ تا ۹۰۷ میلادی بر چین حکومت کرد.



«چن دن»^۱ و «یانگ خونگ شون»^۲ از آکادمی علوم چین معلوم است، مسلمانان از دومین سال امپراتوری «یونگ وی»^۳ از سلسله تانگ (۶۵۱م) مقارن با خلافت عثمان (ر) با چین ارتباط رسمی یافتند.

مسلمانانی که در آن ایام به چین می‌رفتند بیشتر سفرا، بازرگانان و نظامیانی بودند که به کشورهای خود بازمی‌گشتند و آثاری که نشان‌دهنده اقامت طولانی آنها در چارچوب جوامع کوچک و بزرگ و تأسیس مدارس دینی سازمان یافته برای تعلیم پیروان دین باشد، به دست نیامده است. بعضی از پژوهشگران معتقدند که تا حدود قرن نهم میلادی، آموزشهای دینی مسلمانان به فرزندانشان در چین بخاطر کمی جمعیت و پراکندگی در نقاط مختلف، در خانه‌ها صورت می‌پذیرفته و نیازی به تأسیس مدارس دینی احساس نمی‌شده است.^۴

تأسیس اولین مدارس

شواهد تاریخی حاکی از آن است که اولین مدارس اسلامی مشابه با آنچه که امروزه در کشورهای خاورمیانه وجود دارد، در عصر «قراخانیان»^۵ در شهرهای کاشغر و ختن و بارغند تأسیس یافت که آن را «موج اول ورود فرهنگ اسلامی به چین» می‌خوانند. این مدارس که با توجه به حمایت بعضی از اهل طریقت از قراخانیان، باخانقاهها ارتباط نزدیک داشتند، به دو مرحله ابتدایی و عالی تقسیم می‌شدند که به ترتیب «مکتب» و «مدرسه» نام داشتند. هر مدرسه دارای یک «آخوند» (سرپرست)، چند «مدرس»، یک «متولی» و یک «جاروب‌کش» بود و دانش‌آموزان را «طالب» می‌نامیدند. هزینه‌های مدارس دینی از محل درآمد مکانهای «وقف» تأمین می‌شد. وظیفه جمع‌آوری درآمدهای موقوفه به‌عهده متولی بود که آن را به آخوند تحویل می‌داد و او آن را به ده بخش تقسیم می‌کرد: چهار بخش به آخوند و مدرسین،

1. Chen Dan

2. Yang Hongxun

3. Young Wei

۴. فنگ، جین یوان، «اسلام در چین»، (انتشارات خلق نینگ‌شیا، ۱۹۹۱)، ص ۸ (به زبان چینی).

۵. قراخانیان، از قرن دهم تا سیزدهم میلادی بر بخش وسیعی از سرزمینهای آسیای مرکزی چین حکومت کردند. بنیانگذار آن «سلطان ارسلان خان» بود که آرامگاهش در شهر آرتوش در نزدیکی کاشغر، زیارتگاه قوم او یغور است.



یک بخش به متولی، یک بخش به تعمیرات مدرسه و چهار بخش به جاروب‌کش و طلاب اختصاص داده می‌شد.^۱

این مدارس علمیّه که برخی تا پایان دوران سلسله «چینگ»^۲ و حتی اواسط حکومت جمهوری ملی (کومین تانگ)^۳ نیز فعالیت داشتند (به‌طور مثال، در کاشغر ۱۵ باب و در یارغند ۲۹ باب) دارای کتابخانه‌های مناسب شامل کتابهای عربی، فارسی و ترکی اویغوری بودند و بعضی چون مدرسه «سجیه» در یارغند کسانی مانند «امام حسین بن خلف» ملقب به «مدرس بزرگ» (در قرن یازدهم میلادی)، «محمود کاشغری»^۴ (۱۱۰۵-۱۰۲۹ میلادی) صاحب کتاب «لغت‌نامه بزرگ ترکی»، «یوسف خاص حاجب» (در قرن یازدهم میلادی) نویسنده کتاب معروف «شادی نشأت یافته از خرد» (خردنامه) و «احمد یوقناک (اوایل قرن سیزدهم میلادی) صاحب کتاب «ابواب الحقایق» را پروردند.^۵

ازدیاد مسلمانان مهاجر در عصر مغول

رفت و آمدهای مداوم مسلمانان به چین تا قرن ششم هجری (قرن سیزدهم میلادی) به ازدیاد چشمگیر شمار آنان در اواخر سلسله «سونگ»^۶ انجامید، اما بزرگترین دگرگونی در این روند آرام را پیروزی مغولان بر چین و تأسیس سلسله «یوان»^۷ پدید آورد. در این دوره (که

۱. چن، گو گوانگ، «گفتاری در باب قوانین مدنی اسلامی در دوران سلسله چینگ»، مجله مطالعات سرزمینهای غربی چین، (آکادمی علوم اجتماعی سین‌کیانگ، اورومچی، ۱۹۹۲)، شماره ۲، صص ۴۴-۳۴ (به زبان چینی)

۲. qing، سلسله‌ای که از ۱۶۴۴ تا ۱۹۱۱ میلادی بر چین حکومت کرد.

۳. Komintang) Guo Min Dan، حزب ملی، در ۱۹۱۱ به رهبری دکتر سون‌یات‌سن بر سر کار آمد و در ۱۹۴۹ با پیروزی حزب کمونیست چین، به جزیره تایوان پناهنده شد.

۴. آرامگاه او در دامنه کوههای پامیر در نزدیکی کاشغر زیارتگاه مسلمانان قوم اویغور است.

۵. برای بررسی بیشتر درباره قراخانیان و زبان فارسی در عهد آنان و مدرسه «سجیه» رک: - شورای تدوین فرهنگنامه چین، «دایرةالمعارف بزرگ اسلامی چین» (انتشارات فرهنگستان استان سچوان، ۱۹۹۴)، ص ۴۶۶ (به زبان چینی)

- فصلنامه مطالعات سرزمینهای غربی چین، نکاتی در باب آثار کهن به‌دست آمده از عصر قراخانیان در یارغند، (آکادمی علوم اجتماعی سین‌کیانگ، اورومچی، ۱۹۹۲)، شماره ۲، صص ۱۰۶-۹۵ (به زبان چینی)

۶. Song، سلسله‌ای که از ۹۶۰ تا ۱۲۷۹ میلادی بر چین حکومت کرد.

۷. Yuan، سلسله‌ای که از ۱۲۷۱ با پیروزی «قویلیای خان» بنیان یافت و تا ۱۳۶۸ میلادی بر چین فرمان راند.



بعضی از محققان چینی آن را موج دوم، یا موج چند فرهنگی انتشار اسلام در عصر مغول می‌نامند) جابجایی نیروی انسانی بزرگی از غرب به شرق صورت پذیرفت که در اثر آن صدها هزار نفر مسلمان (سرباز، بازرگان، مبلغ دین، صنعتگر و غیره) همراه سپاه مغول از ایران به سوی سرزمین‌های شرقی از جمله چین، کوچانده شدند. منابع چینی - مغولی می‌نویسند در آن عصر تنها یک صد هزار نفر هنرمند و صنعتگر به منطقه سمرقند آورده شدند که سی هزار نفر آنها در مرکز و نواحی اطراف شهر استقرار یافتند و بقیه بازم به سوی شرق، به چین رفتند.^۱

مغولان پس از سلطه کامل بر چین بخاطر اهمیتی که برای بازرگانی خارجی قایل بودند، تاجران ایرانی و عرب در سواحل جنوبی (به ویژه در بندرهای «چوان جو»، «نینگ بو»^۲، شانگهای، کانتون، «کانگ جو»^۳ و «ون جو»^۴) را به حمایت خود دلگرم ساختند به طوری که مبادلات بازرگانی بین کشورهای خاورمیانه و چین به طور بی سابقه‌ای فزونی یافت و همراه با آن، آمدوشد مسلمانان به چین نیز ازدیاد پیدا کرد. علاوه بر این، قویلای خان و دیگر امپراتوران سلسله یوان به مسلمانان اعتماد زیاد داشتند و آنها را در حکومت مرکزی و ایالات بر مناصب و مسئولیتهای عمده گماردند که از آن جمله می‌توان به «سید اجل» شمس‌الدین، حاکم ایالت «یون نن»^۵ اشاره کرد.

افزایش جمعیت مسلمان در سراسر چین از شمال غربی تا مرکز و از آنجا تا سواحل جنوبی و جنوب شرقی در عصر یوان، ضرورت آموزش منظم پیروان دین مبین، به ویژه نسل جوان را ایجاب می‌نمود و این از انگیزه‌های اصلی تقویت و سازماندهی «تعلیمات مسجدی» (حوزه‌های علمیه) در چین بود. به طوری که از سفرنامه‌های «ابن بطوطه»، «روبروک» و «تاریخ سری مغول» معلوم است، مساجد در سراسر چین وجود داشته‌اند، مسجد دارای آموزشگاه علمی بوده که «مدرسه» نامیده می‌شده، روحانیون آموزگار را «داشیمن» (تلفظ جابجا شده دانشمند) می‌نامیدند و کتب مرجع اسلامی نه تنها حاوی علوم دین، بلکه شامل مباحث وسیع

۱. فرهنگستان علوم ایالت خودمختار مغولستان (چین) حکمروایان جهان، (انتشارات خلق مغولستان، ۱۹۸۰)، ص ۱۲ (به زبان چینی).

2. Ning Bo

3. Kang Zhou

4. Wen Zhou

۵. Yunnan (در جنوب غربی چین)



دیگری از جمله ستاره‌شناسی، ریاضیات، شیمی، پزشکی، جغرافیا، فلسفه، محاسبات دیوانی (استیفا) و غیره نیز بوده است.^۱

ریشه‌دارتر شدن تعلیمات دین در دوران سلسله‌های «مینگ»^۲ و «چینگ»

در عصر سلسله مینگ بازرگانی خارجی بیش‌از پیش توسعه یافت و مناسبات با کشورهای اسلامی در خلیج فارس از راه‌های ابریشم دریایی و با آسیای مرکزی و شمال شرقی ایران از راه‌های ابریشم زمینی گسترده‌تر شد. بنابه نوشته پژوهشگران چینی، با اینکه سفرهای دریایی برای مدتی در آن عصر ممنوع گردید، انتشار اسلام و ضرورت سازماندهی هرچه بیشتر «مدارس مسجدی» و تقویت تعلیمات دینی در آن کشور بنابه دلایل زیر تسریع یافت:

۱. روند تشکیل قوم «هویی»^۳ و ازدیاد قوم «اویغور»^۴ به حد کمال رسید.
۲. ممنوعیت سفرهای دریایی، احساس نیاز مسلمانان به تأسیس مدارس دینی و اتکای به خود در زمینه آموزش‌های فرهنگی را افزایش داد.
۳. انتقال اندیشه‌های عارفانه و شکل گرفتن گروه‌های صوفیه که از قرن دهم میلادی آغاز شده، در عصر مغول شتاب یافته و در اواسط دوره مینگ به اوج خود رسیده بود، تلاش پیروان هر «سلوک» را برای ایجاد نهادهای آموزشی خود به همراه داشت.
۴. فرهنگ اسلامی که در عصر مغول بیشتر در مقوله‌های کاربردی (ستاره‌شناسی، جغرافیا، پزشکی، داروسازی و غیره) شناخته شده بود، تا اواسط قرن شانزدهم در عرصه‌های عرفان و فلسفه نیز جایگاه بزرگ یافته و توسعه مدارس و حوزه‌ها برای تحلیل و آموزش آن اجتناب‌ناپذیر بود.

امپراتوری مینگ بخاطر نگرانی از گسترش فرهنگ اسلامی، تدابیری در برابر آن اندیشید؛ از جمله آنکه سفرهای دریایی تا مدتی ممنوع شد، مدارس دینی محدود گردید و

۱. محمد یوشع (بانگ خوای جونگ) و علی (یوچن گویی)، اسلام و فرهنگ چین، (انتشارات خلق ایالت نینگ شیا، ۱۹۹۵)، صص ۱۳۱-۱۱۸، (به زبان چینی).
 ۲. Ming، خاندان امپراتوری که از ۱۳۶۸ تا ۱۶۴۴ میلادی بر چین حکومت کرد.

3. Hui

۴. ترکهای مسلمان که بیشتر در «ایالت خودمختار شین جیانگ» در شمال غربی چین ساکنند.



آموختن فرهنگ چینی، مخصوصاً فرهنگ کنفوسیوسی اجباری اعلام شد. اما این تدابیر نتوانست مانع توسعه و تحکیم فرهنگ اسلامی گردد زیرا مسلمانان چین از اعزام فرزندان خود به مدارس دولتی خودداری کردند و در خانه‌ها به آموزش آنها پرداختند.^۱

در دوره سلسله چینگ رویدادهای دیگری موجب تشدید اراده مسلمانان در حفظ و گسترش فرهنگ خود از طریق آموزشهای دینی گردید:

۱. ازدیاد سفرهای مسلمانان چین به کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه در راه زیارت خانه خدا که به دنبال ممنوعیت سفرهای دریایی در دوره مینگ، متوجه راههای زمینی شده بود. بسیاری از این زائران که بعضی بنیانگذار مکتبهای آموزشی و یا گروههای اسلامی جدید شدند، کتابهای دینی تازه‌ای را با خود به ارمغان می‌آوردند که درک و آموزش آنها امکانات بیشتری را می‌طلبید.

۲. جنگ تریاک (۱۸۴۰ م) و لغو ممنوعیت سفرهای دریایی روند مبادلات فرهنگی بین مسلمانان چین و مردم خاورمیانه را تسریع بخشید.

۳. نهضت‌های ضداستبدادی و ضداستعماری در اواخر دوره چینگ و حضور فعال مسلمانان استان‌های یونن و «شن‌شی»^۲ و «گانسو»^۳ و منطقه سین‌کیانگ در آن موجب سرکوب شدید حرکتها، اعدام بسیاری از رهبران دین، بسته شدن شمار زیادی از مساجد و مدارس و محدودیت آموزشهای اسلامی گردید.^۴ مسلمانان چین برای حفظ هویت قومی و فرهنگی خود، راه چاره را در تأکید بر آموزش دین یافتند.^۵

۴. از حدود اواسط قرن شانزدهم میلادی بعضی از متفکران اسلامی چین با توجه به مسایلی که مورد اشاره قرار گرفت، مخصوصاً ازدیاد مسلمانانی که بتدریج از فرهنگ فارسی و عربی دور می‌شدند و آموزش کتب درسی سنتی به آنها مشکل بود و همچنین به منظور کاهش

۱. انجمن مطالعات فرهنگ اسلامی شهر شی‌آن (Xi An)، مجموعه مقالات دومین سمینار راجع به فرهنگ اسلامی، (انتشارات خلق نینگ‌شیا، ۱۹۹۸)، صص ۹۴-۹۱، (به زبان چینی).

2. Xaanxi

3. Gansu

۴. برای بررسی بیشتر در این زمینه رک. به: مقاله نگارنده زیر عنوان «نقشبندی و نقش آن در حوزه آسیای مرکزی چین»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶، سال ۱۳۷۳، صص ۵۳-۲۷.

۵. انجمن مطالعات فرهنگ اسلامی شهر شی‌آن، همان، صص ۹۲.



بیگانگی فرهنگی بین مسلمانان و دیگر مردم چین، نظریه مشروعیت کاربرد زبان چینی در آموزشهای مسجدی و ترجمه کتب مرجع و درسی از زبان‌های فارسی و عربی به چینی را مطرح ساختند. این حرکت که می‌توان آن را نوعی «گفتگوی فرهنگها» دانست و از طرف مسلمانان چین در مناطق غیرستنی و ستنی با شدت و ضعف متفاوت مورد استقبال قرار گرفته، در تنظیم و تقویت امر آموزش در مدارس دینی نقش مؤثر داشته است.

تأثیر انقلاب‌های «ملی» و «سوسیالیستی»

در دوره حکومت ملی (۱۹۴۹-۱۹۱۱) که بعضی از محققان چینی آن را چهارمین دوره اوج حرکت فرهنگ اسلامی در چین می‌خوانند، تأسیس مدارس دینی ازدیاد یافت و اولین مدرسه که در آن هر دو زبان چینی و عربی تدریس می‌شد در شهر مذهبی «لین‌شیا»^۱ آغاز به فعالیت کرد. اعزام دانشجویان علوم دینی به خارج نیز آغاز یافت و تا سال ۱۹۳۷ در حدود ۳۳ نفر مسلمان چینی از جامع‌الازهر فارغ‌التحصیل شدند که در انتشار اندیشه‌های جدید جهان اسلام از جمله افکار سیدجمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده و دیگران در حوزه‌های علمیه چین تأثیر اساسی داشتند.

در دوره سوسیالیستی، دولت و حزب کمونیست ابتداروش معتدلی به کار بردند اما از اواخر دهه ۱۹۵۰ به بعد، مخصوصاً در دوره «انقلاب فرهنگی» (۷۶-۱۹۶۶) اتخاذ سیاست‌های افراطی از جمله تعطیل مدارس دینی و حتی تخریب بعضی از آنها و اعزام مدرسان به اردوگاه‌های کار اجباری، لطمه زیادی به روند پیشرفت مدارس و برنامه‌های علمی و فرهنگی آنها وارد آورد. با دگرگونی‌هایی که از اوایل دهه ۱۹۸۰ در چین به وقوع پیوسته و آزادی‌هایی که به پیروان ادیان از جمله مسلمانان داده شده است، تعلیمات مسجدی نیز با دوران تازه‌ای از رشد و تحول همگام می‌باشد که مکاتب فکری، کتب درسی مرجع و نظرات راجع به برنامه‌های درسی در آن قابل توجه و بررسی است.

۱. Lin Xia در استان گانسو (برای مطالعه بیشتر راجع به این شهر ر.ک: مقاله نگارنده زیر عنوان «شهر مذهبی لین‌شیا (مکه کوچک) در چین»، مجله آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۰، سال ۱۳۷۷، صص ۸۳-۷۱.



مکاتب فکری در مورد آموزشهای دینی

به طوری که پیش تر اشاره شد، در چین با توجه به شرایط جغرافیایی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی گوناگون این سرزمین وسیع و دوری و نزدیکی هر منطقه آن به دیگر کشورهای اسلامی، نظرات متفاوتی نیز درباره میزان کاربرد زبانهای عربی و فارسی و چینی در مدارس دینی پدید آمده است. مهمترین مکاتب در این زمینه عبارتند از:

۱. مکتب «شاندونگ»^۱

طرفداران این مکتب با توجه به نقش مهم زبان فارسی در گسترش اسلام در چین، بر لزوم کاربرد زبانهای عربی و فارسی در مدارس دینی تأکید دارند. بنیانگذار مکتب شاندونگ «چانگ جی می»^۲ (نام اسلامی او محمد بن الحکیم الصینی^۳) بود که در قرن هفدهم میلادی می زیسته، تعلیمات مذهبی را در شهر تاریخی شی آن (چانگ آن) فرا گرفته و زبان فارسی را بخوبی می دانسته است. اثر معروف او به زبان فارسی «قوالم النهج»^۴ یا «منهاج الطالب» است که از کتب درسی مرجع در حوزه های علمیه چین به شمار می آید.

یکی دیگر از مدرسان بزرگ این مکتب «نورالحق بن لقمان الصینی» است که در نیمه دوم قرن نوزدهم می زیسته و کتاب «کیمیاء الفارسیه» از اوست. کسانی دیگر از این مکتب نیز کتابهایی چون «شوارح الفرائد» (در یک جلد) و «فرهنگ لغات عربی - فارسی» (در سه جلد) را نوشته اند که از کتب درسی است.

از ویژگی های عمده این مکتب استفاده از کتب متصوفه و عارفان ایرانی و عرب در مدارس دینی است.

۱. Shandong (از استانهای ساحلی چین)

2. Chang Zhimei

۳. Zinini احتمالاً منسوب به شهر «جی نینگ» مرکز استان شاندونگ و با ناحیه «زینین» در اطراف یارغند است.

۴. این کتاب در سال ۱۳۶۰ توسط آقای دکتر شریعت استاد دانشگاه، در اصفهان به چاپ رسیده و از قدیمی ترین کتب شناخته شده درباره دستور زبان فارسی است.



۲. مکتب «شن‌شی»

بنیانگذار این مکتب «خودنگ جو»^۱ (نام اسلامی او شیخ محمدعبداله الیاس مشهور به مدرس بزرگ) است. او در سال ۱۵۲۲ در شهر شی آن تولد یافت، زبانهای چینی، عربی و فارسی و فلسفه‌های کنفوسیوسی و اسلامی را به‌خوبی فراگرفت، و از معلمان بزرگ مدارس اسلامی شد. او به‌عنوان اولین مدرسی که تلاش کرد کتب و برنامه‌های تدریس در حوزه‌ها را مشخص و منظم سازد و کاربرد زبان چینی را نیز مجاز دانست مورد تأیید و تمجید قرار دارد.

۳. مکتب «یون‌نن»

مکتب یون‌نن را دو نفر از شاگردان تسلهای بعد خودنگ جو به نامهای «مادشین»^۲ (نام اسلامی او، روح‌الدین) (۱۸۷۴-۱۷۹۴) و «مالیان یوآن»^۳ (نام اسلامی او، نورالدین) پدید آوردند و آن تلفیقی از دو مکتب شن‌دونگ و شن‌شی است.^۴ در این مکتب ضمن توجه زیاد به دریافت عمیق و عالمانه متون درسی عربی، به آموختن زبان چینی و ترجمه کتب مرجع اسلامی، از جمله قرآن مجید به این زبان نیز با نظر موافق نگریسته می‌شود. اولین ترجمه قرآن مجید به زبان چینی را مسلمانان همین مکتب به انجام رسانیده‌اند و تنها «مادشین»^۵ اثر عربی و فارسی و یا ترجمه شده از این زبانها به زبان چینی دارد.^۵

۴. مکتب «جنوب شرقی»

مکتب جنوب شرقی یا کتابهای کسانی چون «وانگ دای‌یو»^۶ (۱۶۶۰-۱۵۸۰)، «ماجو»^۷ (نام اسلامی او یوسف، ۱۷۱۱-۱۶۴۰) و «لیوجی»^۸ (نام اسلامی او علامه محمدعزیز، ۱۷۳۰-۱۶۴۴) ویژگی یافته است. در این مکتب کاربرد زبان چینی برای آموزش

1. Hu Dengzhou

2. Ma Dexin

3. Ma Lianyuan

۴. مادشین نزد مدرسان مکتب شن‌شی از جمله «جو، داآخوند» درس آموخته بود.

۵. انجمن مطالعات فرهنگ اسلامی، شهر شی آن، همان، ص ۱۲۰.

6. Wang Daiyu

7. Ma Zhu

8. Liu Zhi



متون اسلامی بسیار فراتر از مکتب‌های شن‌شی و یون‌ن‌رفته و تا تألیف کتب اسلامی به زبان چینی و تفسیر و تحلیل اصول و احکام و فقه و فلسفه دین مبین اسلام به این زبان تسری یافته است. وانگ دای‌یو کتاب‌های متعدد از جمله «تعالیم عالی دین اسلام» را نوشته و یوسف، ماجو کتاب‌های زیاد از جمله «راهنمای دین اسلام» را به رشته تحریر درآورده و علامه محمدعزیز، لیوجی دانشمند مشهور اسلامی چین زبان‌های چینی، فارسی و عربی را می‌دانسته در حدود یک صد کتاب نوشته که در اثر اعمال فشارهای مکرر حکومت‌های مینگ و اواخر چینگ و ۱۹۵۸ و دوره انقلاب فرهنگی و کتابسوزانها، تنها هشت جلد آن از جمله «ارکان اسلام و احکام و آداب آن»^۱، «حقایق تصوف در اسلام»^۲ و «سیره خاتم‌النبیین»^۳ در دست می‌باشد.

محققان مسلمان چین این سه اندیشمند بزرگ و همچنین شیخ محمدعبدالله الیاس، (خودنگ جُو از مکتب شن‌شی) را به‌خاطر نقش والایی که در حفظ فرهنگ اسلامی در شرایط دشوار در چین داشته و همچنین به‌خاطر راهی که در جهت دستیابی مردم چینی‌زبان به متون اسلامی گشوده‌اند، مورد تمجید قرار می‌دهند. محققان غیرمسلمان چین نیز آنان را به عنوان بانیان «گفتگوی فرهنگ‌ها» در این کشور (فرهنگ‌های اسلامی، کنفوسیوسی و بودائی) و ازدیاد شناخت و درک متقابل مردم مسلمان و غیرمسلمان در چین و بالتجربه کاهش تنش‌های اجتماعی و تقویت اتحاد اقوام مختلف در جهت پیشرفت کشور، می‌ستایند.^۴

کتاب درسی مرجع

از اواخر قرن شانزدهم میلادی، در اثر تلاش‌های شیخ محمدعبدالله الیاس (خودنگ جُو) برنامه‌های تدریس در مدارس مسجدی بخش بزرگی از چین به نوعی نظم و هماهنگی دست یافته که تا اوایل قرن بیستم ادامه داشت و هنوز آثار آن در بسیاری از

1. Tian Fan Dian Li

2. Tian Fan Xin Li

3. Tian Fan Zhi Shen Shi Lu

۴. بررسی جایگاه اندیشمندان مکتب «جنوب شرقی»، «منحصراً «لیوجی» در چین، در این مختصر نمی‌گنجد و مستلزم مقاله جداگانه‌ای است.



حوزه‌های علمیه وجود دارد. در این مدارس کتابهای زیر متون اصلی را تشکیل می‌دهند:

الف) در زمینه آموزش زبانهای فارسی و عربی.

۱. «پنج جلدی» و آن عبارت است از «صرف»، «متشق‌النحو»^۱ «زنجانی»، «مختصر

عوامل»، «مصباح»^۲

۲. «مصباح» نوشته ابوالفتح نصر مطرزی، محقق ایرانی.

۳. «معالم» شامل دو کتاب «الکافی» نوشته ابن‌حاجب و عبدالرحمن جامی عارف

ایرانی.

۴. «قوائم النهج»، نوشته چانگ جی می (محمدین الحکیم)، در دستور زبان فارسی. آن

را «صرف فارسی» و «قواعد الفارسیه» هم می‌نامند.

۵. «تفسیر مفتاح»، نوشته صدرالدین تفتازانی. این کتاب را «بیان» و «مختصرالبیان»

نیز می‌نامند.

ب) در باب فقه

۱. «شرح الوقایه» نوشته عبیداله بن مسعود.^۳

۲. «مجلس ارشادیه» نوشته محمدامین افندی.

۳. «شامی (تحریرالمختار)»، تألیف شیخ عبدالقادرالرافعی الفاروقی.

۴. «طریقه‌المحمدیه»، نوشته شیخ رجب بن احمد.

ج) در مقوله کلام

۱. «عقاید النسفی»، نوشته عمر نسفی. و تفسیر بر آن نوشته تفتازانی.

۲. «اشعة المعات» نوشته عبدالرحمن جامی. در مدارس دینی در چین به این کتاب

۱. نسخه‌ای از این کتاب نوشته «ما فوجو» (نام اسلامی او مولانا الحاج یوسف) (۱۲۹۳-۱۲۱۰ هـ) چاپ

۱۳۵۱ هجری (دهلی)، در کتابخانه خانقاه کبرویه در «داون تو» در استان گانسو در چین موجود است و در تصرف افعال می‌باشد.

۲. هر پنج مطلب به صورت فصلهایی در یک جلد کتاب جمع‌آوری شده‌اند.

۳. کتابهای «من وقایه الروایه فی مسائل الهدایه» و «عمدة الرعایه فی حل شرح الوقایه» نسخه‌های خطی و یا چاپهای قدیمی در مساجد و مدارس دینی در چین وجود دارد. ترجمه چینی - عربی شرح الوقایه در سال ۱۹۹۹ توسط انجمن اسلامی چین انتشار یافته است.



اهمیت زیاد داده می‌شود.^۱

۳. «مرصاد»، به زبان فارسی، در زمینه عرفان، نوشته ابوبکر عبدالله بن محمد رازی (در

سال ۱۲۲۳ م).^۲

(د) در زمینه تفسیر

۱. «تفسیر جلالین»، نوشته جلال‌الدین محمد بن احمد المحلی و جلال‌الدین

عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی.^۳

۲. «تفسیر حسینی»، به زبان فارسی، نوشته ملاحسین واعظ کاشفی (تولد ۱۴۹۴ م)

۳. «تفسیر قاضی»، نوشته عبدالله بن عمر بدایونی. تفسیر دیگری به همین نام نیز در

بعضی مدارس اسلامی چین وجود دارد که «قاضی بیضاوی» نوشته و «شیخ‌زاده» بر آن حاشیه نگاشته است.

(ه) دربارهٔ حدیث

۱. خطب، نوشته ابن اَدعان (متولد حدود ۵۹۴ هـ) این کتاب که شامل ۴۰ حدیث

نبوی است ابتدا به زبان عربی بوده، سپس به زبان فارسی ترجمه شده است و در مدارس مسجیدی نسخه فارسی آن تدریس می‌شود.

۲. «اربعون»، نوشته حسام‌الدین بن علاء‌الدین، که آن هم شامل ۴۰ حدیث نبوی به

زبان فارسی است.

(و) در مقوله ادبیات

۱. «گلستان» و «بوستان» اثر شاعر مشهور ایران «سعدی»

۲. «مخمس»، مجموعه‌ای از اشعار شاعر عرب «شرف‌الدین محمد بُصیری» و شاعر

ایرانی «مولوی تبادکانی».

۱. سون، چن‌یو، پژوهشی در باب فرهنگ سنی اسلامی در چین، (انتشارات قومی استان گانسو، ۱۹۹۵)، ص

۷۵، (به زبان چینی)

۲. این کتاب در قرن هفدهم میلادی توسط «ووزونگی» محقق مشهور چین به زبان چینی ترجمه شده است (نسخه‌ای از آن در کتابخانه گنبد کبرویه در شهر لنجو موجود است).

۳. این تفسیر در چین انتشار وسیع دارد و انجمن اسلامی چین در سال ۱۹۹۸ آن را از روی نسخه چاپ بیروت تجدید چاپ کرده است.



۳. «دیوان خواجه حافظ» (در بعضی از مدارس دینی)^۱

در اثر مرور زمان، ازدیاد سفرهای مسلمانان دیگر کشورها به چین و سفرهای مسلمانان چین به کشورهای خاورمیانه در راه زیارت خانه خدا، کتب اسلامی زیادی وارد چین شد که بسیاری از نسخ آنها در کتابخانه‌های مساجد، گنبدها (خانقاهها)، مدارس دینی و همچنین در موزه‌ها و نزد بعضی از مسلمانان منطقه موجود است. بعضی از این کتابها به‌عنوان منابع مرجع در مدارس دینی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

البته تنوع اندیشه و مشرب فکری در زمینه اعتقادات مذهبی، بر چگونگی انتخاب کتب برای تدریس اثر نهاده است. چنانکه به‌طور مثال، پیروان «دین قدیم»^۲ به فراگرفتن زبان و فرهنگ فارسی و تفسیرهای عارفانه در مدارس خود اهمیت می‌دهند، در حالی که «دین جدید»^۳ بر زبان عربی و تفسیرهای غیرعارفانه تأکید دارد و همین امر از عوامل بروز تفاوتی در کتب درسی هر گروه است.^۴

جایگاه زبان فارسی

با بررسی کتابهای موجود در بعضی از مساجد، خانقاهها و موزه‌ها و نسخ دستنویس و یا چاپی کهن که از دگرگونی‌های زمان در امان مانده و در خانه‌های بعضی از مسلمانان چین است می‌توان دریافت که زبان فارسی از گذشته‌های دور، مخصوصاً از عصر یوآن (مغول) تا

۱. برای اطلاع بیشتر از اسامی کتب اسلامی در چین رک. به:

- علی (یوچن‌گویی)، محمد یوشع (یانگ خوای جونگ)، «کتب راجع به اسلام در چین» (انتشارات خلق نینگ شیا، ۱۹۹۳).

- ثابت (محقق اویغور)، «کتابهای اسلامی در شمال غربی چین»، سمینار یونسکو درباره راه ابریشم (اورومچی، سین‌کیانگ، ۱۹۹۰).

- بای، شویی، «کتابهای درسی در مساجد چین»، (انتشارات خلق نینگ شیا، ۱۹۸۳)، (به زبان چینی).

۲. Lao Jiao نامی که بر پیروان تصوف و عرفان مانند طریقت کپرویه و قادریه و غیره نهاده شده است زیرا تاریخ ورود آنها به چین به قرن‌ها پیش باز می‌گردد.

۳. Xin Jiao نامی که بر «اخوانی‌ها» و «وهایون» (سلفیه) در چین نهاده شده، زیرا از قرن نوزدهم به بعد در این کشور ظهور یافته‌اند.

۴. کتب درسی در حوزه‌های علمیه چین و بررسی تفاوت‌های آن در سین‌کیانگ، گانسو، چینگ‌های، نینگ شیا، شن شی و مناطق جنوب و جنوب شرقی چین میحت مفصلی است که در این مقاله نمی‌گنجد و شاید به خواست خدا مقاله جداگانه‌ای به آن اختصاص یابد.



اوایل قرن بیستم در آموزشهای دینی مسلمانان چین جایگاه ویژه داشته است. مدرسان بزرگی چون خودنگ‌جو، لیوجی، ماجو، مادشین و وانگ دای‌یو زبان فارسی می‌دانستند و همین از عوامل دستیابی آنها به بسیاری از منابع غنی فرهنگ اسلامی و وصول به مراحل بالاتری از دانش بود. به‌طور مثال، لیوجی (علامه محمدعزیز) در دو کتاب معروف خود «ارکان اسلام و احکام و آداب آن» و «حقایق تصوف در اسلام» از کتابهای فارسی متعدد که مورد مطالعه و استفاده قرار داده است نام می‌برد که از آن جمله‌اند «قصص الانبیاء»، «شجره‌نامه»، «افعال الافلاک»، «جهان دانش» و غیره.^۱

اولین مطالعات درباره آثار فرهنگ ایرانی، ازجمله خط فارسی در چین توسط محققان غربی ازجمله «برتولد لوفر»^۲ نشان‌دهنده وجود ۵۲ کلمه فارسی در زبان چینی بود. پس از آن «دایرةالمعارف ایرانی»^۳ ۹۹ کلمه و آقای «لیوجنگ تان»^۴ ۱۰۶ کلمه و پروفیسور «هوانگ شی جیان»^۵ حدود ۱۷۰ کلمه را نشان دادند.^۶

وجود کتابها و سنگ گورهای متعدد باقی مانده از ایرانیانی که از شهرهای شیراز، تبریز، طوس، قزوین، اردبیل، اصفهان، همدان، جاجرم، نساء، بخارا، سمرقند و از استان گیلان به چین آمدوشد داشتند و وجود کلمات فارسی زیاد در زبان محاوره‌ای و دینی مسلمانان چین، نشانه حضور قوی زبان فارسی در فرهنگ اسلامی این کشور تا چند دهه اخیر است.^۷

از اواخر قرن نوزدهم میلادی به بعد دو عامل اصلی موجب کاهش حضور زبان فارسی در مدارس دینی و بالنتیجه، کم‌رنگ شدن نقش آن در فرهنگ اسلامی چین گردید:

۱. دینگ، کوجیا، «نقش و جایگاه زبان و کتب دینی فارسی در تاریخ فرهنگ اسلامی چین» (اولین گردهمایی بین‌المللی درباره تاریخ و فرهنگ مسلمانان چین) در شهر بین‌چوان (ایالت خردمختار نینگ شیاهویی)، ۱۷-۱۳ اکتبر ۱۹۹۸. (به زبان چینی)

2. Bertold Laufer

3. Encyclopedia Iranica

4. Liu Zhengtan

5. Huang Shijian

۶. انتشارات خلق نینگ شیاهویی، «اسلام در چین» (مجموعه مقالات سمینار مطالعات اسلامی در پنج استان و منطقه در شمال غربی چین، (سال ۱۹۸۲، شهر لنجو)، ص ۲۱۱. (به زبان چینی)

۷. برای بررسی بیشتر درباره سنگ گورهای اسلامی در جنوب شرقی چین. رک. به: چن، داشن، «سنگ‌نشته‌های اسلامی در سواحل جنوب شرقی چین»، مجله مطالعات ادیان جهانی، شماره ۲، (سال ۱۹۸۵، پکن)، ص ص ۱۳۱-۱۲۲، (به زبان چینی)



۱. نفوذ حرکت‌های اخوانی و وهابی در چین

پیروان اندیشه‌های اخوانی و وهابی با تفسیر عارفانه قرآن مجید و همچنین با طریقه‌های عرفانی در چین، که نهایتاً به تشیع گرایش دارند، مخالفند و چون بیشتر کتب مرجع در این زمینه به زبان فارسی است، در جلوگیری از استفاده از این زبان در مدارس زیر نفوذ خود نهایت تلاش را به کار برده‌اند.

بازدید از مساجد و مراکز اسلامی اخوانی و وهابی در شمال غربی چین، مخصوصاً مسجد «دونگ‌گوان»^۱ در شهر «شی‌نینگ»^۲ در استان «چینگ‌های»^۳ که از پایگاه‌های عمده آنان در شمال غربی چین به‌شمار می‌رود، نشان‌دهنده حذف کامل کتاب‌های فارسی از متون درسی آنها است. در حالی که برعکس، در مسجد «یانگ‌جیا»^۴ در همان شهر که پیروان کبرویه، قادریه، «خومن»^۵، «خونگ‌من»^۶ و طریقه‌های دیگر به آنجا آمد و شد و تعلق خاطر دارند، کتاب‌های فارسی خطی و چاپ کهن در حد قابل توجه وجود دارد و احساسات نسبت به ایران دوستانه است.

۲. تلاش‌های بعضی از کشورهای عربی

از اوایل قرن بیستم کشورهای عربستان سعودی و مصر در راه گسترش مناسبات با مسلمانان چین و ازدیاد نفوذ فرهنگ خود در مدارس دینی این کشور اقداماتی به‌عمل آوردند که اگرچه در اثر وقوع جنگ‌های اول و دوم جهانی و دگرگونی‌های مکرر سیاسی در خاورمیانه و چین، گاه متوقف ماند، اما در هر حال، تأثیر اساسی در تقویت زبان عربی و کاهش نفوذ زبان فارسی بر جای نهاد.

روش عربستان سعودی در جلب قلوب حاجیان چینی و ملاقات‌های ملک فیصل و ملک فهد با بسیاری از آنها و تسهیلاتی که برای دانشجویان چینی در کشورهای مختلف به‌منظور سفر به مکه معظمه فراهم ساخته‌اند در تقویت احساس دوستی بین مسلمانان چین

1. Dong Guan

3. Qing Hai

5. Hu Men

2. Xi Ning

4. Yang Jia

6. Hong Men



و ملت‌های عرب و مستحکم‌تر ساختن پایگاه زبان عربی در مساجد و مدارس نقش مؤثر داشته‌است.^۱

تلاش دیگر را مصر به انجام رسانده و آن از طریق پذیرفتن تعداد نسبتاً زیادی از دانشجویان مسلمان چین در دانشگاه الازهر و تأسیس کتابخانه «فواد» در پکن، از سال ۱۹۳۱ به بعد بوده است. به طوری که منابع چینی نوشته‌اند بین سال‌های ۱۹۳۱ تا ۱۹۴۶ حدود ۳۵ نفر دانشجویی از طرف مدارس دینی چین به‌ویژه مدرسه مشهور «چن - دا - شی»^۲ در پکن به دانشگاه الازهر اعزام گردیدند که اغلب آنها پس از پایان تحصیلات و بازگشت به چین در زمره مدرسان و محققان مشهور اسلامی درآمدند و در تقویت تفاهم بین مسلمانان چین و کشورهای عربی مؤثر واقع شدند.

علاوه براین، از طرف فواد اول پادشاه مصر ۴۴۱ جلد کتاب مرجع اسلامی به زبان عربی به مسلمانان چین اهداء گردید که در کتابخانه‌ای به نام «فواد»^۳ در مسجد «دونگ سه»^۴ در پکن تمرکز یافت (این کتابها پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در چین، در سال ۱۹۴۹ به انجمن اسلامی چین منتقل شد).^۵

در سال‌های اخیر با دگرگونی‌هایی که در سیاست داخلی و خارجی چین پدید آمده

۱. برای اطلاع بیشتر از نمونه‌هایی از روش عربستان سعودی و آثار آن ر.ک. به:

- یانگ، یان خونگ، «شخصیت و خرد عبدالعزیز بن سعود، بنیانگذار عربستان سعودی»، فصلنامه مطالعات درباره قوم هویی، (مرکز مطالعات قومی چین در استان نینگ‌شیا، شماره ۲، سال ۱۹۹۲) صص ۶۳-۵۹ (به زبان چینی)

- لی، جنگ جونگ، کمک‌های پادشاه عربستان به امر اسلام در چین، (مجله فوق)، صص ۶۸-۶۴.

- ما، جیان، مسلمانان چین، انتشارات بازرگانی چین، (پکن ۱۹۷۹)، جلد اول، صص ۸۶، (به زبان چینی).

2. Chen Da Shi

۳. در نوشتن نام «فواد» به زبان چینی ظرافتی به کار رفته و از دو کاراکتر «فو» (ثروت) و «د» (تقوا) استفاده شده بود.

۴. Dong Se، در سال ۱۳۴۶ میلادی ساخته شده و در خیابانی به همین نام در پکن است.

۵. برای بررسی بیشتر ر.ک. به:

- تائو جی د، «آغاز و سرانجام اعزام دانشجویان چینی به دانشگاه الازهر»، مجله مطالعات قوم هویی (آکادمی

علوم اجتماعی نینگ‌شیا)، شماره اول، سال ۱۹۹۹، صص ۶۳-۵۹ (به زبان چینی)

- لیو، دونگ شن، «تاریخچه مدرسه علوم اسلامی چن - دا - شی»، مجله مطالعات قوم هویی (آکادمی علوم

اجتماعی نینگ‌شیا)، شماره ۲، سال ۱۹۹۳، صص ۷۵-۶۱ (به زبان چینی)



است بار دیگر عربستان به تجدید ارتباط با مساجد و مراکز آموزشی اسلامی در این کشور پرداخته و پاره‌ای از اقدامات آن را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. کمکهای عمده به بازسازی و مرمت مساجد و مدارس که در دوره انقلاب فرهنگی

(۷۶-۱۹۶۶) در شهرها و روستاها لطمه دیده بودند.

۲. ارائه کمک به مدارس دینی به‌ویژه در استانهای نینگشیا، یونن، گانسو و برخی از

مدارس اسلامی آموزش حرفه‌ای از جمله در بندر «تین‌جین»^۱.

۳. حمایت مالی وسیع از مؤسسات آموزش زبان عربی در دانشگاههای چین.^۲

۴. تأمین بورسهای تحصیلی به دانش‌آموزان مسلمان چینی در مدارس متوسطه در

شهرهای مکه، مدینه و ریاض.

۵. دعوت از پژوهشگران مسلمان و غیرمسلمان چین برای شرکت در گردهمایی‌های

بین‌المللی در آن کشور. امسال نیز ۱۴ نفر چینی (۴ نفر مسلمان و ۱۰ نفر غیرمسلمان) در

سمینار بین‌المللی به مناسبت یکصدمین سالگرد تأسیس حکومت سعودی (۲۲ ژانویه

۱۹۹۹) در عربستان حضور یافتند.

۶. همکاری در زمینه چاپ قرآن مجید به زبان عربی با ترجمه چینی توسط «مؤسسه

انتشار قرآن ملک فهد» در شمار بسیار، به‌طوری که پیش‌بینی می‌شود به هر خانواده مسلمان

چینی یک نسخه برسد.

۷. ارسال کتب بسیار به زبان عربی برای کتابخانه‌ها، دانشگاهها و مدارس دینی و

مساجد چین، از جمله، هدیه بیش از یکهزار جلد کتاب عربی به دانشگاه پکن، دانشگاه زبانهای

خارجی پکن و دانشگاه زبانهای خارجی شانگهای از طرف کتابخانه ملک عبدالعزیز در سال

۱۹۹۸ و اهداء هفت‌دوره از «دائرةالمعارف جهان عرب» (هر دوره شامل ۳۰ جلد) به هفت

مؤسسه عالی آموزش زبان عربی در دانشگاههای چین.

1. Tian Jin

۲. مؤسسات عالی آموزش زبان عربی در چین در دانشگاههای ذیل مستقرند:

دانشگاه پکن - دانشگاه زبانهای خارجی پکن - دانشگاه ادبیات و زبانهای خارجی پکن - دانشگاه بازرگانی

خارجی پکن - دانشگاه شماره ۲ زبانهای خارجی پکن - دانشگاه زبانهای خارجی شانگهای - دانشگاه زبانهای

خارجی ارتش چین.





در اثر رویدادهای فوق، از اوایل قرن بیستم به بعد، توجه به تدریس زبان فارسی در مدارس مسجدی چین کاهش یافته و از سال ۱۹۳۱، از برنامه درسی مدرسه مشهور «چن داشی» حذف گردیده است. در حالی که تا چند سال پیش از آن، نفوذ و حضور زبان فارسی چنان قوی بوده که انتشار «فرهنگ فارسی به چینی» را ایجاب می‌نموده است.^۱ بنابراین امروزه به طوری که اشاره گردید، بازدید از استانهای مسلمان‌نشین شمال‌غربی چین نشان می‌دهد که:

۱. در مساجدی که اخوانی‌ها و وهابیون (سلفیه) نفوذ دارند، مانند مسجد «دونگ‌گوان» در شهر «شی‌نینگ» (مرکز استان چینگ‌های) زبان فارسی در برنامه درسی حوزه‌ها جایگاهی ندارد و کتابهای دینی به این زبان از معرض دید عموم برداشته شده است. در اینگونه مساجد زبان عربی با حمایت‌های عربستان سعودی، پاکستان و مالزی، روبه گسترش می‌باشد.

۲. در مسجدهایی که اندیشه‌های عارفانه جریان دارد، مانند مسجد «لائووانگ»^۲ در شهر مذهبی «لین‌شیا» در استان «گانسو»، مسجد عبادتگاه مرکزی طریقت کبرویه در کوه سیم‌غ در «داون‌تو»^۳ در ۶۰ کیلومتری جنوب غربی شهر لنجو و مسجد «یانگ جیا» در شهر شی‌نینگ، کتابهای فارسی زیادی وجود دارد که شماری از آنها مانند گلستان و بوستان سعدی، مکتوبات امام ربانی، تفسیر حسینی، قوالم‌النهج، تدریس می‌شود.^۴ در بعضی از این مساجد،

۱. نمونه‌ای از آخرین فرهنگ فارسی به چینی، از انتشارات انجمن اسلامی چانگ دُ (Chang De) در سال ۱۴۰۶ هجری قمری (در ۲۹۰ صفحه) است که نسخه‌ای از آن نزد نگارنده است.

2. Lao Wang

3. Da Wan Tu

۴. بعضی از کتابهای دیگر در این مساجد عبارت‌اند از:
الف) در مسجد لائووانگ،

صرف - نحو - ملأ (شرح کافی)، لمعات، شرح‌الوقایه، ریاض‌الصالحین، بیان (مختصرالبیان) و غیره.
ب) در مسجد داون تو،

مقصدالاقصى (از عزیزالدین محمد نسفی)، مرصادالعباد، احوال و اقوال شیخ ابوالحسن الخرقانی، دیوان عطار، مجالس‌الارشاد، المنقذمن‌الضلال، فیوض‌الاحسانیه، قصص‌الانبیاء، مجموعه آثار شیخ محمود شبستری، دیوان کامل جامی، مکتب شمس، تفسیر المیزان، مجموعه آثار شهید مطهری، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی، و غیره.

ج) در مسجد یانگ جیا،

معارض النبوه، دستور زبان فارسی، مشکاة‌المصابیح، صدمیدان (خروجه عبدالله انصاری)، شرح





امام جماعت و عده‌ای از پیروان و طلاب قادر به قرائت کتابهای به زبان فارسی هستند اما از تکلم به این زبان عاجزند و علاقه برخی به زبان فارسی به اندازه‌ای است که در اثر کمبود کتب درسی، باکمال حوصله مبادرت به رونویسی کتابهای مفصل چون گلستان و بوستان کرده‌اند و از روی آنها تدریس می‌کنند.

نظر محققان چین دربارهٔ تعلیمات مسجدی در آن کشور

بررسی‌های پژوهشگران آموزش و پژوهش چین نشان می‌دهد که ده اقلیت قومی مسلمان بین همهٔ اقوام این کشور، کمترین علاقه را به حضور در مدارس عمومی چین و فرا گرفتن زبان چینی و علوم جدید، از خود نشان می‌دهند و میزان بیسوادی و کم‌سوادی آنها، بویژه زنان و دختران، در مناطق شمال‌غربی کشور، زیاد است.

حاصل دو گردهمایی ملی در سالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۵۶ در اوایل پیروزی انقلاب و مطالعهٔ نتایج سختگیری‌های دوران انقلاب فرهنگی چین در دومین گردهمایی ملی «بررسی فرهنگ اسلامی» در شهر تاریخی «شی‌آن»^۱ (چانگ‌آن)^۲ در سپتامبر ۱۹۹۷،^۳ حاکی از آن است که بی‌علاقگی مسلمانان چین به فرستادن فرزندانشان خود به مدارس دولتی، از عوامل زیر سرچشمه می‌گیرد:

۱. یادآوری فشارها و سرکوبی‌هایی که سلسله امپراتوری چینگ در اواخر قرن نوزدهم، حکومت ملی در اوایل قرن بیستم و انقلاب فرهنگی نیمهٔ دوم این قرن علیه مسلمانان به عمل آوردند و تلاشهایی که برای تحمیل زبان چینی و فرهنگهای غیراسلامی (کنفوسیوسی و سوسیالیستی) بر آنها صورت گرفت.

۲. نگرانی از تضعیف فرهنگ دینی و قومی در اثر تحصیل در مدارس دولتی چینی.

سودی بر گلستان، بایزید بسطامی، نفعات الانس، فصوص الحکم، کشف الاسرار و عده‌الابرار و غیره.

1. Xi An

2. Chang An

۳. این گردهمایی مصادف با چهارصدمین سال درگذشت شیخ محمد عبدالله الیاس (خودنگ‌جو)، بنیانگذار مکتب «شن‌شی» نیز بود که هم به خاطر علم او و هم به دلیل موافقت او با کاربرد زبان چینی در تعلیمات مسجدی مورد تأیید و تقدیر محققان چین قرار دارد. بعضی او را با غزالی در جهان اسلام و با کنفوسیوس و لائوتسه در چین مقایسه می‌کنند.





محققان چین براساس این تجارب تاریخی و همچنین آزادی‌های پدید آمده در آن کشور در دوره پس از مائوتسه تونگ، تحمیل فرهنگ و زبان چینی بر مسلمانان را جایز نمی‌شمارند. اما تعلیمات مسجدی را نیز با توجه به محدود بودن مواد درسی آن به کتب دینی، پاسخگوی نیازهای جامعه چین در قرن بیست و یکم نمی‌دانند. چکیده‌ای از دلایل آنها به شرح زیر است:

«اسلام یکی از پنج فرهنگ بزرگ جهانی و از حامیان بزرگ دانش است. در قرآن مجید بیش از نودبار از مقام ارجمند علم و دانش یادشده و کسب علم و آموختن آن به دیگران بدون توجه به اینکه آموزندگان علم چه کسانی و مکان آموختن آن کجاست، بر همه مردان و زنان مسلمان «قریضه» شناخته شده است. پیامبر اسلام (ص) خود علاوه بر علوم دینی، در زمینه‌های متعدد سیاسی، اجتماعی، تاریخی، آموزشی، اخلاقی، پزشکی و زندگی روزمره صاحب‌نظر و استاد بودند و چنان به علم اهمیت می‌دادند که در غزوه بدر، اسرای جنگی را در صورتی که سواد داشتند و هر کدام به ده نفر کودک مسلمان، خواندن و نوشتن می‌آموختند، آزاد می‌ساختند. در زمان حیات ایشان، مسجد مدینه اولین مرکز تعلیمات دینی بود و حضرت پیامبر (ص) اولین و بزرگترین مدرس آن بودند. تعلیمات مسجدی در آن ایام اختصاص به دروس دینی نداشت بلکه شامل همه زمینه‌های زندگی دنیوی هم می‌شد (جامع بود) و دانشمندان و نظامیان بزرگی چون علی بن ابی طالب (ع) و دیگر خلفای راشدین و استادان بی‌نظیری در علوم فقه، کلام و حدیث را پرورش داد. از آنجا بود که اساس دانشگاه‌های اسلامی و تعلیمات مسجدی بعدی چون محضر (حضرت) امام صادق (ع) فراهم آمد که در آنها علاوه بر دروس دین، علوم طبیعی، پزشکی، تاریخ و جغرافیا، فلسفه، ستاره‌شناسی، ریاضیات، شیمی و غیره تدریس می‌شد. این سنت پسندیده تا سالیان دراز در دانشگاه‌های بزرگی در ایران، مصر، عراق، کوردوبا (قرطبه) و دیگر سرزمینهای اسلامی ادامه داشت. رویدادهای ناگواری از جمله تاخت و تازهای اقوام مختلف چون حمله مغول، وقوع جنگ‌های صلیبی، بروز چنددستگی بین مسلمانان، پدید آمدن رهبانیت و اعراض از دنیا، بسته شدن باب اجتهاد و غیره موجب دوری مسلمانان از علوم دنیوی، منزوی ماندن و ضعف و در نتیجه، سلطه استعمار غرب بر آنها گردید. در سالهای بعد مصلحانی چون سیدجمال‌الدین





تعلیمات مسجدی (حوزه‌ای) در چین و جایگاه زبان فارسی در آن

اسدآبادی، محمد عبده، محمدرشیدرضا، محمد رحمان کواکبی، محمد اقبال و دیگران به چاره‌جویی در برابر ضعف سیاسی، اقتصادی، نظامی و علمی و فنی مسلمانان برخاستند و راه چاره را در بازنگری در تعلیمات عمومی و بازگشت به سنن صدر اسلام یعنی توجه به علوم و فنون و همگام شدن با زمان دانستند.^۱

پژوهشگران چینی نتیجه‌گیری می‌کنند که مسلمانان این کشور نیز برای همگامی با اهداف سیاست دروازه‌های باز اقتصادی چین، کسب علوم و فنون پیشرفته، قدرتمند شدن و ایجاد توان رویارویی با سلطه‌جویی خارجی (که در دوران پس از جنگ سرد در یکه‌تازی‌های آمریکا تجسم یافته است) باید تعلیمات مسجدی را با نیازهای زمان یعنی فراگرفتن مجموعه‌ای از علوم و فنون امروزی هماهنگ سازند.^۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. جانگ، جی‌خوا، «نگاهی به گذشته و آینده تعلیمات اسلامی در چین»، مجموعه مقالات دومین سمینار راجع به فرهنگ اسلامی (در شهر شی‌آن، ۱۹۹۷)، (انتشارات خلق نینگ‌شیا، ۱۹۹۸)، صص ۲۱-۴۵.
۲. برای بررسی بیشتر در زمینه این نظرات، رک. به:
 - مجموعه مقالات دومین سمینار راجع به فرهنگ اسلامی، در شهر شی‌آن (۱۹۹۷)، سراسر کتاب.
 - دینگ، کوجیا و دیگران، سعادت دو جهان، چاپخانه آکادمی علوم اجتماعی استان نینگ‌شیا (بین‌چوان، ۱۹۹۸)، صص ۱۱۸-۱۲۴ (به زبان چینی).
 - لی، دینگ رن و دیگران، اقلیتهای قومی در شمال غربی چین و موضوع آموزش و پرورش، انتشارات خلق نینگ‌شیا (بین‌چوان، ۱۹۹۶)، سراسر کتاب (به زبان چینی).
 - مین، شن‌گوان، ما، فنگ‌چون، «نظرات ما در باب تعلیمات اسلامی»، اولین گردهمایی بین‌المللی درباره تاریخ و فرهنگ مسلمانان چین، ۱۳ تا ۱۷ اکتبر ۱۹۹۸ در شهر بین‌چوان در استان نینگ‌شیا، (به زبان چینی).
 - جانگ، زوو، «مسلمانان چین در آستانه قرن بیست و یکم»، مجله مطالعات قوم‌هویی (آکادمی علوم اجتماعی نینگ‌شیا) شماره دوم، سال ۱۹۹۹، صص ۳۶-۴۰.





پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی